

پیش‌بینی خودپنداشت از طریق پنج عامل بزرگ شخصیت و منزلت‌های هویت در دانشجویان Prediction of Self-Concept by Big Five-factors of Personality and Identity Status in Students

Mustafa Nedaeifar

Master of Psychology, University of Tehran

Dr. Reza Pourhosein *

Associate Professor of Psychology, University of Tehran

Dr. Massoud Gholam Ali Lavasani

Associate Professor University of Tehran

مصطفی ندایی فر

کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه تهران

دکتر رضا پورحسین نویسنده مسئول

دانشیار روانشناسی دانشگاه تهران

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

دانشیار دانشگاه تهران

Abstract

The current study has been done to predict self-concept by big five-factors of personality and identity status in students. One hundred eighty students in the University of Tehran (90 male -90 female) in the age range of 20-30 years old, bachelor and masters educational level, has been selected by the cluster sampling method. In order of collecting information, three questionnaires were used: the NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI), The Extended Objective Measure of Ego Identity Status (EOM-EIS-2) and Rogers's Self-concept scale. data analyzed with Pearson correlation method and Simultaneous regression. results showed significant relationships among Neuroticism, Conscientiousness, and identity achievement status with self-concept, and these factors predicted self-concept. The relationship among other personality factors and identity status with self- concept were not significant. Accordingly, can be said when an individual is not in a normal range of mental health which neuroticism factor represent it, he or she also has not appropriate image and evaluation of self as self-concept. And it makes a vicious cycle in which these two factors reinforce each other.

Keywords: personality, Identity, Self- concept

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی خودپنداشت از طریق پنج عامل بزرگ شخصیت و منزلت‌های هویت انجام شد. تعداد ۱۸۰ نفر از دانشجویان (۹۰ پسر -۹۰ دختر) دانشگاه تهران با دامنه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و سطح تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های پنج عامل بزرگ شخصیت نئو (NEO-FFI)، مقیاس عینی بسط یافته حالات هویت ایگو و مقیاس خودپنداشت راجرز استفاده شد. اطلاعات بدست آمده از این مقیاس‌ها با روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که رابطه بین عامل‌های شخصیتی روان‌رنجوری و وظیفه‌شناسی و همچنین وضعیت اکتساب هویت با خودپنداشت معنی‌دار بوده و این عوامل قادر به پیش‌بینی وضعیت خودپنداشت هستند. سایر عوامل شخصیتی و وضعیت‌های هویت با خودپنداشت رابطه معناداری نداشتند. بر همین اساس می‌توان بیان کرد، زمانی که فرد از نظر سلامت روان که عامل روان‌رنجوری نمایانگر آن است در زندگی در طیف بهنجار قرار ندارد، تصویر و ارزیابی مناسبی هم در قالب خودپنداشت از خود نداشته و چرخه‌ی معیوبی که در آن، این دو عامل تقویت کننده‌ی یکدیگر هستند، شکل می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: شخصیت، هویت، خود پنداشت

پذیرش: بهمن ۹۷

دریافت: مهر ۹۷

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

یکی از مهمترین مراحل زندگی انسان مرحله نوجوانی و جوانی است. در این مرحله است که فرد باید بتواند برای سوال "من کیستم" پاسخی مناسب پیدا کند تا بتواند از این رهگذر به شناخت بیشتر خود نائل آید. بدیهی است که مشکل و نقص در این مرحله فرد را با

مشکلات بسیاری در دوران آتی زندگی روبرو خواهد کرد. طبق نظریه روانی اجتماعی اریکسون فرد در مرحله نوجوانی فرایند شکل‌گیری هویت را به طور جدی آغاز می‌کند. رشد یک حس با ثبات و منسجم هویت شخصی یک تکلیف تحولی در دوران نوجوانی است، که شامل توانایی خود در ترکیب و وحدت جنبه‌های هویتی با اهمیت گذشته در یک شکل جدید و منحصر به فرد است. دستیابی موفقیت آمیز به هویت موجب رشد احساس وفاداری می‌شود. ناکامی در دستیابی به هویت، به عدم صمیمیت یا فاصله‌گذاری منجر می‌شود. بنابراین حل موفقیت آمیز فرآیند هویت نه تنها برای سلامت فرد اساسی است، بلکه برای روابط مهم او نیز اهمیت دارد. طبق نظر اریکسون صمیمیت اصیل و واقعی تنها بعد از شکل‌گیری هویت ایجاد می‌شود (شوارتز، ۲۰۰۱).

الگوی وضعیت هویت که توسط مارسیا (۱۹۶۶) توسعه داده شده بود، تفاوت‌های فردی در شکل‌گیری هویت را در طول ابعاد اکتشاف و تعهد تعریف کرد. متغیرهای مورد استفاده مارسیا (اکتشاف و تعهد) برای تعریف و تبیین وضعیت‌های هویت، به طور مستقیم قسمتی از سازه هویت اریکسون بود (سوننز^۵ و همکاران، ۲۰۰۵). اکتشاف به درجه‌ای که یک فرد خودهای ممکن و جایگزین را نگه داشته و به کار می‌گیرد، اشاره دارد. تعهد نشان دهنده‌ی تبعیت فرد از هدف‌های خاص، ارزش‌ها و عقاید است. مطابق با این ابعاد مارسیا چهار منزلت هویت را در نظر می‌گیرد: ۱- اکتساب هویت^۶ (اکتشاف بالا- تعهد بالا) ۲- بحران زده^۷ (اکتشاف بالا- تعهد پایین) ۳- دنباله‌رو^۸ (اکتشاف پایین- تعهد بالا) ۴- هویت سردرگم^۹ (اکتشاف پایین- تعهد پایین). (مارسیا، ۱۹۹۶).

می‌توان ساختار هویت را به عنوان بخشی از عناصر شخصیت در نظر گرفت. با توجه این نکته، مک‌کرا و کاستا بیان می‌کنند در حالی که گرایش‌های زیستی شخصیت اغلب ثابت هستند، اما ویژگی‌های سازگارانه شخصیت (مانند هویت)، می‌تواند تحت تاثیر عوامل بیرونی، مانند مهارت‌ها، عادات، نگرش‌ها، و روابطی که نتیجه تعامل فرد با محیط اوست، قرار گیرد. در خصوص ابعاد شخصیت، محققان نظرات گوناگون و تقسیم‌بندی‌های مختلفی را ارائه داده‌اند. از جمله این نظریات می‌توان به مدل پنج عاملی شخصیت^{۱۰} ابرت مک‌کرا و کاستا (۱۹۹۹) اشاره نمود. مدل پنج عاملی، شخصیت افراد را به پنج بعد روان‌رنجوری^{۱۱}، برون‌گرایی^{۱۲}، گشودگی نسبت به تجربه^{۱۳}، تطابق‌پذیری (توافق جویی)^{۱۴} و وظیفه‌شناسی^{۱۵} تقسیم می‌کند (به نقل از خنیفر و همکاران، ۱۳۸۸). تحقیقات در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که پنج بعد شخصیتی، مبنا و اساس سایر خصوصیات شخصیت هستند (کاپلان، ۱۳۸۲).

بعد روان‌رنجوری به توانایی فرد در تحمل استرس مربوط می‌شود. افراد با ویژگی روان‌رنجوری از ثبات عاطفی پایینی برخوردارند. این افراد نگران، عصبی، مایوس و ناامید، دارای استرس، خجالتی، آسیب‌پذیر و شتاب‌زده هستند (کاپلان، ۱۳۸۲). بعد برون‌گرایی به خوشه‌ای از صفات اطلاق می‌گردد که بر مبنای آن‌ها شخص پرنرژی، معاشرتی، جسور، فعال، هیجان‌طلب، متمایل به اجتماعی بودن و دارای شور و اشتیاق، اعتماد به نفس و احساسات مثبت است (به نقل از هارن و میشل^{۱۶}، ۲۰۰۳). بعد گشودگی به تجربه، میزان علاقه و اشتیاق افراد نسبت به تازگی و کسب تجربه‌های جدید را نشان می‌دهد. افراد با این ویژگی دارای قدرت تخیل، علاقه به جلوه‌های هنری، کنجکاو نسبت به ایده‌های دیگران، با احساسات باز، دارای ایده و اقدام‌گر هستند (به نقل از هارن و میشل، ۲۰۰۳). تطابق‌پذیری یا توافق جویی به گرایش افراد به همسان بودن و سازگاری با دیگران ارتباط می‌یابد. افراد با ویژگی تطابق‌پذیری، قابل اعتماد، روراست، نوع دوست، مهربان و دارای

- 1 - Erik Erikson
 2 - Fidelity
 3 - Shwartz
 4 - James Marcia
 5 - Soenens
 6 - Identity Achievement
 7 - Moratorium
 8 - Foreclosure
 9 - Identity Diffusion
 1 - McCrae & Costa 0
 1 - Characteristic Adaptation 1
 1 - Five Factor Personality Model
 1 - Neuroticism 3
 1 - Extraversion 4
 1 - Openness To Experience 5
 1 - Agreeableness 6
 1 - Conscientiousness 7
 1 - Kaplan 8
 1 - Haren & Mitchell 9

خصیصه از خودگذشتگی، پیرو، متواضع و فروتن و خوش قلب هستند (بوچانان و هکزینسکی، ۲۰۰۰). بعد وظیفه‌شناسی معیار سنجش قابلیت اطمینان است. فرد با وجدان بالا، فردی شایسته، منظم، وظیفه‌شناس، هدف‌جو، دارای انضباط شخصی، وقت‌شناس و قابل‌اتکا است (بوچانان و هکزینسکی، ۲۰۰۰).

در ارتباط با پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و هویت، چندین مطالعه نشان می‌دهد که کاوش در هویت با گشودگی و حس کنجکاوی ارتباط دارد (کلنسی و دالینگر، ۱۹۹۳؛ لوکس، سوئنز، گوسنز و بیرز، ۲۰۰۶). اگرچه که کاوش با سطح بالاتر نشانه‌های اضطراب و افسردگی همراه است (کیدول، دونهام، باجو، پاستورینو و پورتس، ۱۹۹۵؛ لوکس و همکاران، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه عنصر اصلی صفات شخصیت و رفتار هر فرد وابسته به تصویری است که او در ذهن خویش از خود دارد (خودپنداشت)، (ستوده، ۱۳۸۱)، بررسی تعامل بین شخصیت و خود پنداشت با اهمیت و تعیین‌کننده است. مفهوم خودپنداشت اشاره به یک بازنمایی یکپارچه و انتزاعی از خود به صورت کلی دارد. خود پنداره^۵؛ باور فرد در مورد خویش است که شامل ویژگی‌های او و اینکه خود او چه کسی و چه چیزی است، می‌شود (بامیستر، ۱۹۹۹). به نظر راجرز، فرد همه تجارب خویش را با خودپنداره‌اش مقایسه می‌کند. در واقع افراد تمایل دارند به گونه‌ای رفتار کنند که با خودپنداره آن‌ها همخوانی داشته باشد. هنگامی که بین خودپنداره و تجربه واقعی اختلاف وجود داشته باشد، فرد ناهمخوانی را تجربه می‌کند (اتکینسون^۶ و همکاران، ۱۳۷۸). نوع دیگری از ناهمخوانی، ناهمخوانی میان خود واقعی^۷ و خود آرمانی^۸ است. تفاوت زیاد میان این دو نوع خود، منجر به ناشادی و نارضایتی فرد، همچنین اعتماد به نفس پایین و بی‌ارزش شمردن خویش می‌شود (اتکینسون و همکاران، ۱۹۹۰).

مطالعات بر روی بعد "تعهد" هویت نشان داده است که این مفهوم واریانس اساسی را از تداوم خود،^۹ به خود اختصاص داده است. تداوم خود به معنای این است که فرد در موقعیت‌های متفاوت یکسان باشد (دانکل، ۲۰۰۵). بنابراین سازه‌های خود پنداشت و هویت می‌توانند به عنوان ساختارهای دانشی که نمایانگر درجه‌ای است که فرد فهم پایدار و بادوام را از خود بدست می‌آورد، مفهوم سازی شوند. براساس تحول فرد، خودپنداشت در اوایل زندگی و قبل از نوجوانی شکل عینی دارد و در ادامه و در دوران نوجوانی بیشتر انتزاعی و روانشناختی می‌شود. خود پنداشت می‌تواند نسبت به هویت نزدیک‌تر به هسته‌ی روانشناختی فرد در نظر گرفته شود، چرا که از نظر تحولی و خودگردانی دارای تقدم است (هارتر، ۱۹۹۹). گروگر^{۱۰} (۲۰۰۰) به طور مثال، به این نکته اشاره می‌کند که بعضی از نوجوانان به طور مشخصی خود را در هویتشان انعکاس می‌دهند. او یادآور شد که این مساله به این خاطر است، که افراد عموماً این نکته را آسان‌تر می‌یابند که تجارب جدید را در خودپنداشت موجود، جذب کنند چرا که جذب به آنها اجازه می‌دهد به طور انتخابی حقایق ناخوشایند را نادیده بگیرند.

اگر چه در زمینه ارتباط بین خودپنداشت با ویژگی‌های شخصیت مطالعه‌ای صورت نگرفته، اما مک کرا و کاستا توضیح می‌دهند که ویژگی‌های شخصیت به دلیل اهمیت چشمگیرشان در بین سایر عوامل، بیشترین تاثیر را بر خودپنداشت دارند. آن‌ها همچنین اشاره می‌کنند که صفت روان رنجوری می‌تواند در رشد منسجم خود پنداشت، تداخل ایجاد کند (مک کرا و کاستا، ۱۹۸۸). علاوه بر این، مشاهده شده که وضوح خودپنداشت ارتباط منفی با روان رنجوری دارد (بیومونت، ۲۰۰۹). همچنین در زمینه ارتباط بین خودپنداشت و هویت، مطالعات پیشین بر روی بُعد "تعهد" هویت و "وضوح خودپنداشت"^{۱۱} (اندازه‌ای که مفاهیم خودپنداشت افراد، مانند اسنادهای شخصی

-
- 1- Buchanan & Huczynski
 2 - Clancy & Dollinger
 3 - Luckx, Suenens, Gussens & Beyers
 4 - Kidwell, Dunham, Bacho, Pastorino, Portes
 5 - Self- Concept
 6 - Baumeister
 7 - Rital. L. Atkinson
 8 - Real- Self
 9 - Ideal- Self
 1 - Self- Continuity 0
 1 - Dunkel 1
 1 - Groeger 2
 1 - Beaumont 3
 1 - Self- Concept Clarity 4

ادراک شده، دارای تعریف روشن و مطمئن و از نظر درونی همسان و در طول زمان پایدار هستند و می‌توان آن را نزدیک به مفهوم خود واقعی در نظر گرفت) اشاره می‌کنند که سطح بالاتری از هر دو ساختار مذکور با سازگاری روانشناختی مثبت همراه است (بیومونت، ۲۰۰۹). با توجه به پیشینه نظری و پژوهشی ذکر شده، این مطالعه به دنبال پیش‌بینی ارتباط بین پنج عامل بزرگ شخصیت (روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه‌شناسی و توافق‌جویی) و حالات هویت (اکتساب هویت، بحران زده، دنباله‌رو، سردرگم) با خودپنداشت است. با توجه به این که پنج عامل بزرگ شخصیت به عنوان عامل تعیین‌کننده مهم در ساختار شخصیت و چارچوبی با اهمیت در درک ساختار و تبیین رفتار فرد و یکی از منابع درون فردی اثر گذار بر سلامت روان در نظر گرفته می‌شود، استدلال این مطالعه بر این است که پنج عامل مذکور می‌تواند پیش‌بینی کننده خودپنداشت (ناهمخوانی خود واقعی و ایده‌آل) باشد. همچنین در رابطه دیگر متغیر پیش بین (حالات هویت)، به دلیل اینکه متغیر مذکور نمایانگر این است که یک فرد چگونه به تکلیف ساخت و بناکردن هویت رو می‌آورد، فرض مطالعه حاضر بر این است که نوع رویکرد فرد در فرآیند هویت‌یابی، چگونگی وضعیت‌های خودپنداشت (ناهمخوانی خود واقعی و ایده‌آل) را در خود منعکس می‌کند. هدف مطالعه حاضر پیش‌بینی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و حالات هویت (اکتساب هویت، بحران زده، دنباله‌رو، سردرگم) با مکانیزم کنترل درونی یعنی خودپنداشت است.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران است، که در نیم سال اول سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل بوده‌اند. شرکت‌کنندگان در پژوهش که شامل ۱۸۰ نفر دانشجو (۹۰ نفر پسر - ۹۰ نفر دختر) بودند، با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه استفاده شده است، که در ادامه معرفی می‌گردند.

ابزارهای سنجش

مقیاس عینی بسط یافته حالات هویت ایگو (EOM-EIS-2): پرسشنامه حالات هویت را بنیون و آدامز در سال ۱۹۸۶ با اصلاح پرسشنامه حالات هویت نسخه اول، و با توجه به نظریه اریکسون و مارسیا طراحی کردند. این پرسشنامه دارای ۶۴ آیتم و چهار خرده مقیاس آشفته، زودشکل گرفته، تعویق افتاده و اکتساب است که هر یک شامل ۱۶ سوال است. شیوه نمره گذاری در مقیاس طیف لیکرت به گونه‌ای است که از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف به ترتیب نمره ۶ تا ۱ تعلق می‌گیرد. نمره بالا در کاوش و تعهد به عنوان وضعیت اکتساب هویت، نمره بالا در کاوش و نمره پایین در تعهد به عنوان وضعیت بحران زده، و حالت برعکس آن به عنوان حالت دنباله‌رو، و نمره پایین در هر دو به عنوان مرحله هویت نامتمایز یا سردرگم در نظر گرفته می‌شود. جهت سنجش پایایی مولفه‌های هویت، کارلسون با انتخاب ۱۶۲ دانشجو، همسانی درونی ۰/۶۹ برای خرده مقیاس هویت آشفته، ۰/۸۱ برای خرده مقیاس هویت زودشکل گرفته، ۰/۶۶ برای خرده مقیاس هویت به تعویق افتاده و ۰/۷۶ برای خرده مقیاس هویت پیشرفته با میانگین ۰/۷۷ بدست آورد (به نقل از بنیون و آدامز، ۱۹۸۶). ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آزمون مجدد را نیز رحیمی نژاد (۱۳۹۳) در دانشجویان ایرانی مورد مطالعه قرار داده است که از ۰/۵۴ تا ۰/۷۶ متغیر است. در پژوهش آقادی و اعتمادی (۱۳۹۱) ضریب آلفای کرونباخ اجرا شده در میان ۴۳۸ نفر از دانشجویان زن و مرد در مقیاس‌های هویت عقیدتی و هویت بین شخصی از ۰/۵۹ تا ۰/۸۱ بدست آمد. نتایج به دست آمده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش بنیون و آدامز در سال ۱۹۸۶، در همان مقیاس‌ها از ۰/۶۲ تا ۰/۷۵ گزارش شده است، که نتایج مشابه است (آدامز و بنیون، ۱۹۸۹).

مقیاس خودپنداشت راجرز: این پرسشنامه در سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۷ توسط کارل راجرز به منظور سنجش خودپنداشت افراد تهیه شده که شامل دو فرم جداگانه «الف» و «ب» است، فرم «الف» خودپنداشت پایه (واقعی) یعنی آن گونه که فرد خودش را می‌بیند و تصویری که در حال حاضر از خودش دارد را می‌سنجد. فرم «ب» خودپنداشت ایده آل یا آرمانی را مورد سنجش قرار می‌دهد. یعنی آن گونه که فرد آرزو دارد باشد. در هر فرم ۲۵ صفت قطبی (مثبت و منفی) قرار داده شده است. آزمودنی ابتدا باید به فرم الف و سپس ب پاسخ دهد. فرم الف را با توجه به تصویری که از خصوصیات و صفات خود دارد، تکمیل می‌کند و فرم ب باید بر اساس آرزوها و ایده آل‌هایش تکمیل

1- The Extended Objective Measure of Ego Identity Status

1 - Carlson

2- Bennion & Adams

4 - Rogers's Self-concept scale

شود. طرز تکمیل سوالات به این شکل است که در برابر هر صفت متضادش هم نوشته شده، آزمودنی باید خود را با توجه به آن دو صفت ارزیابی کرده و به خود نمره‌ای بین ۱ تا ۷ بدهد. در پایان نیز تقاضل بین نمره خود واقعی و خود ایده‌آل به عنوان نمره کلی خودپنداشت در نظر گرفته می‌شود. ضریب اعتبار آزمون با استفاده از روش دو نیمه کردن برآورد و معادل ۰/۸۰ گزارش شده است (محمدی کاجی، ۱۳۷۲)، و نیز همسانی درونی آزمون با استفاده از محاسبه همبستگی هر سوال با کل آزمون سنجیده و مورد تایید قرار گرفته است.

مقیاس پنج عاملی شخصیت نئو-فرم کوتاه (NEO-FFI) این پرسشنامه حاوی ۶۰ سوال است و برای هر عبارت پرسشنامه یک مقیاس درجه‌بندی پنج درجه‌ای وجود دارد که دارای ارزش صفر تا ۴ است. برای برخی از جمله‌ها این نمره گذاری از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم به ترتیب صفر تا ۴ تعلق می‌گیرد و برای برخی دیگر برعکس. در هنجاریابی این آزمون که توسط گروهی فرشی (۱۳۸۰) صورت گرفت، ضریب همبستگی پنج بعد اصلی بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش شده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان رنجوری، برون گرایی، گشودگی، توافق جویی و با وجدان بودن به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد.

روش اجرا

پس از مشخص نمودن جمعیت نمونه مورد نظر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، پرسشنامه‌ها بر روی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی و تربیتی و همچنین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته برق و مهندسی مکانیک اجرا شد. قبل از اجرای پرسشنامه برای هر فرد توضیح مختصری در مورد موضوع و هدف ابزار تحقیق و چگونگی پاسخ به سوالات ارائه گردید. علاوه بر این به شرکت‌کنندگان در این تحقیق در مورد محرمانه بودن نتایج اطمینان خاطر داده شد. معیار ورود افراد در اجرای پژوهش، داشتن حداقل ۲۰ و حداکثر ۳۰ سال سن (به دلیل قرار داشتن در سنین هویت یابی) بود.

نتایج

در جدول ۱ نتایج مربوط به همبستگی پیرسون بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین و همچنین اطلاعات توصیفی قابل مشاهده است. همانطور که در جدول یک مشاهده می‌شود، خودپنداشت با روان رنجوری همبستگی مثبت و معنادار ($r = 0.34, p < 0.01$) و با وظیفه-شناسی رابطه منفی و معنادار ($r = -0.21, p < 0.01$) دارد. همچنین، اکتساب هویت ارتباط منفی و معناداری با خودپنداشت دارد ($r = -0.32, p < 0.01$).

جدول ۱: همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱- روان رنجوری										
۲- برون گرایی	۰.۴۱*									
۳- گشودگی به تجربه	۰.۸	۰.۶								
۴- توافق جویی	۰.۱۵*	۰.۱۷*	۰.۱۵*							
۵- وظیفه شناسی	۰.۳۵*	۰.۳۱*	۰.۱۸*	۰.۱۸*						
۶- دنباله رو	۰.۶	۰.۱	۰.۳۲*	۰.۱۶*	۰.۷					
۷- سردرگم	۰.۱۲*	۰.۱	۰.۳۲*	۰.۲۹*	۰.۷	۰.۶۲*				
۸- بحران زده	۰.۱۳*	۰.۱۱	۲.۰	۰.۱۰	۰.۵	۰.۱۷*	۰.۲۸*			
۹- اکتساب هویت	۰.۲۵*	۰.۳۲*	۰.۶	۰.۰	۰.۳۷*	۰.۰	۰.۰۲	۰.۳۵*		
۱۰- خود پنداشت	۰.۳۴	۰.۰۹	۱.۰	۰.۶	۰.۲۱	۱۱	۰.۰۹	۰.۶	۰.۳۲*	
میانگین	۲۲.۵۵	۲۷.۶۷	۲۷.۴۳	۲۸.۱۲	۳۱.۵۷	۴۱.۹۸	۴۹.۲۷	۵۱.۹۳	۶۲.۱۱	۷۰.۰۲
انحراف استاندارد	۷.۶	۶.۱۵	۵.۱۷	۵.۲۵	۵.۰۸	۱۳.۱۲	۸.۹۹	۸۱.۸	۹.۸۹	۱۳.۵۳

* معناداری در سطح ۰.۰۱

در جدول ۲، ۳ و ۴ نتایج حاصل از رگرسیون همزمان برای تعیین قدرت متغیرهای پیش بین (پنج عامل شخصیت و حالات هویت) در پیش‌بینی متغیر ملاک (خودپنداشت) ارائه شده است.

در جدول ۲ خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰,۲۹ است. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور R) برابر با ۰,۰۸ است که نشان دهنده میزان تبیین واریانس و تغییرات متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش‌بین است.

جدول ۲: خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل

مدل	رگرسیون چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	برآورد خطای استاندارد
۱	۰,۲۹	۰,۰۸	۰,۰۳	۱۰,۵۷

در جدول ۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی مدل رگرسیونی ارائه شده، آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار F بدست آمده برابر با ۵۰,۱۵ است که در سطح آلفای کوچکتر از ۰,۰۱ معنی‌دار است. این نتیجه نشان می‌دهد متغیرهای پنج عامل بزرگ شخصیت و منزلت‌های هویت می‌توانند تغییرات مربوط به متغیر خودپنداشت را به خوبی تبیین نمایند که نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول ۳: تحلیل واریانس یک راهه

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
رگرسیون	۱۸۲۷,۱۵	۹	۲۰۳,۰۱	۵۰,۱۵	۰,۰۰۱
۱ باقی‌مانده	۱۹۰۰۶,۰۹	۱۷۰	۱۱۱,۸		
جمع	۲۰۸۳۳,۲۴	۱۷۹			

طبق جدول ۴، نتایج ضرایب تحلیل رگرسیون نشان داد که روان رنجوری ($b = ۰,۳۴$ ، $p < ۰,۰۱$) ۳۴ درصد و وظیفه‌شناسی ($b = -۰,۲۱$ ، $p < ۰,۰۱$) ۲۱ درصد از تغییرات خودپنداشت را پیش‌بینی می‌کند. همچنین، وضعیت اکتساب هویت ($b = -۰,۳۲$ ، $p < ۰,۰۱$) ۳۲ درصد از تغییرات خودپنداشت را پیش‌بینی کرد. همانطور که در جدول ۴ دیده می‌شود، ضرایب بتا مربوط به دیگر متغیرهای پیش‌بین معنادار نیستند.

جدول ۴- نتایج ضرایب تحلیل رگرسیون همزمان خودپنداشت بر اساس پنج عامل شخصیت و حالات هویت

متغیرهای پیش‌بین	R^2	β	t	P
روان رنجوری	۱۲	۰,۳۴	۴,۶۴	۰,۰۰۰
برون‌گرایی	۰,۱	-۰,۰۵	-۰,۶۴	۰,۵۲
گشودگی به تجربه	۰,۱	۰,۰۱	۰,۱۸	۰,۸۵
توافق جویی	۰,۲	۰,۰۹	۱,۲۲	۰,۲۲
وظیفه‌شناسی	۰,۶	-۰,۲۱*	-۲,۶۴	۰,۰۰۹
دنیاله‌رو	۰,۸	۰,۲۷	۲,۸۵	۰,۰۰۷
سردرگم	۰,۹	۰,۳۱	۴,۱۲	۰,۰۰۵
بحران زده	۰,۸	۰,۰۵	۰,۶۳	۰,۵۲
اکتساب هویت	۰,۱۰	-۰,۳۲	-۳,۸۴	۰,۰۰۰

* معناداری در سطح ۰,۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ارتباط بین پنج عامل بزرگ شخصیت و ابعاد هویت با خودپنداشت انجام شد. نتایج بیانگر آن بود که بین روان‌رنجوری و وضعیت خودپنداشت دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به بیان دیگر زمانی که فرد از نظر سطح استرس، اضطراب، افسردگی و به طور کل ثبات هیجانی در وضعیت نامطلوب قرار دارد و سطح بالاتری از روان رنجوری دارد، وضعیت خود پنداشت

او؛ یعنی تصویر و ارزیابی که از ویژگی‌ها و شخصیت خود به صورت کلی داراست، منفی بوده و تمایز بین خود واقعی و ایده‌آل او زیاد است. همین تمایز نیز در نظر "هورنای و راجرز" عاملی است که هر چه شدت آن بیشتر باشد، فرد دچار کشمکش‌ها و ناکامی‌های بیشتری شده و سطح سلامت روان او کاهش پیدا می‌کند. بنابراین این نتیجه با نظریه‌های بنیادین خودپنداشت در دیدگاه هورنای و راجرز هماهنگ است. این یافته با نتیجه مطالعه دولت آبادی، محمدی و افشاری (۱۳۹۱) همسو است. آن‌ها در مطالعه‌ای دریافتند، که ناهمخوانی خود واقعی-ایده‌آل در صفت روان رنجوری، پیش‌بینی کننده منفی کیفیت کلی زندگی است. علاوه بر این، ناهمخوانی خود واقعی-ایده‌آل در صفت روان رنجوری پیش‌بینی کننده منفی ابعاد سلامت روان شناختی و روابط اجتماعی بود. در پژوهش دیگر، مشاهده شد، روان رنجوری اثر مستقیم منفی بر بهزیستی روان‌شناختی دارد (مرادی، علیزاده، بارانیان وزغیبی قناد، ۱۳۹۵).

همچنین نتایج نشان داد بین عامل وظیفه شناسی و وضعیت خودپنداشت ارتباط منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر وظیفه شناسی که نمایانگر صفاتی همچون نظم و ترتیب و کمال‌گرایی و قانون مند بودن است، می‌تواند تمایز بین خود واقعی و ایده‌آل را در فرد پیش‌بینی نماید. طبق نتیجه بدست آمده هرچه که فرد در عامل مذکور در سطح بالاتری باشد، به این معنی که صفات این عامل را بیشتر در خود داشته باشد، وضعیت خودپنداشت او مثبت‌تر بوده و تمایز بین خود ایده‌آل و خود واقعی او کمتر است. طبق نظریه هورنای کمال‌گرایی یکی از عواملی است که از خودپنداشت منفی و یا به عبارت دیگر قدرتمند بودن خود ایده‌آل نشأت می‌گیرد و فردی که کمال‌گرایی بالایی داشته، وضعیت خودپنداشت مناسبی ندارد. نتیجه بدست آمده با نظریه ذکر شده هماهنگ نیست و آن را تایید نمی‌کند، زیرا که سطح بالای وظیفه شناسی در فرد نشان دهنده‌ی کمال‌گرایی است. با این وجود، دست‌چندی، فرزاد و کدیور (۱۳۹۰) نشان دادند که صفت وظیفه شناسی، مولفه‌های استقلال، روابط مثبت با دیگران، رشد فردی و هدفمندی (ویژگی‌های بیانگر خودپنداشت مثبت) در زندگی را پیش‌بینی می‌کند. در پژوهشی دیگر، مشخص شد، وظیفه‌شناسی اثر مستقیم مثبت بر بهزیستی روان‌شناختی دارد (مرادی، علیزاده، بارانیان وزغیبی قناد، ۱۳۹۵). این یافته‌ها، با نتیجه بدست آمده از ارتباط بین وظیفه شناسی و خودپنداشت در مطالعه حاضر، همسو هستند.

آخرین نتیجه بدست آمده نشان داد، بین وضعیت اکتساب هویت و خودپنداشت رابطه منفی معنادار وجود دارد. به بیان دیگر حالت هویت‌یابی موفق می‌تواند منجر به کاهش تمایز بین خود ایده‌آل و خود واقعی و مثبت شدن وضعیت خودپنداشت در فرد شود. طبق نظر مارسیا وضعیت اکتساب هویت که با سطح بالای اکتشاف و تعهد مشخص می‌شود، با توجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه می‌تواند پیش‌بین مثبتی برای وضعیت خودپنداشت باشد. به عبارت دیگر هر اندازه فرد در فرآیند هویت‌یابی موفق‌تر بوده و به وضعیت اکتساب هویت نزدیک‌تر باشد، از نظر وضعیت خودپنداشت نیز در شرایط مطلوب‌تری قرار دارد. و به تبع این روند، از سلامت روان‌شناختی بالاتری نیز برخوردار است. مطابق با این یافته، در پژوهشی نشان داده شد کسانی که دچار وقفه در هویت‌یابی هستند (حالت مقابل وضعیت اکتساب هویت)، کسانی هستند که استانداردهای افراطی و بالا (خود ایده‌آل) برای عملکرد، توانایی آن‌ها را برای شکل دادن به یک سری تعهدات پایدار کاهش می‌دهد (کت و لوین، ۲۰۰۲). در تحقیقی دیگر، کلنسی و دالینگر (۲۰۱۱) دریافتند که وضعیت اکتساب هویت، روان رنجوری پایین و وظیفه شناسی بالا را پیش‌بینی می‌کند. همچنین در مطالعه‌ای که توسط بیومونت (۲۰۰۹) انجام گرفت، مشاهده شد تعهد هویت (یکی از ابعاد اکتساب هویت) ارتباط مثبتی با عزت نفس، هوش هیجانی، سبک مقابله‌ای پیش‌گستر، آکاش، کنجکاوی و خودشکوفایی دارد.

در پایان می‌توان گفت که خودپنداشت با سه عامل روان رنجوری، وظیفه شناسی، و اکتساب هویت قابل پیش‌بینی است. زمانی که فرد از نظر سلامت روان که عامل روان رنجوری نمایانگر آن است در زندگی در طیف بهنجار قرار ندارد، تصویر و ارزیابی مناسبی هم در قالب خودپنداشت از خود نداشته و چرخه‌ی معیوبی که در آن، این دو عامل تقویت کننده‌ی یکدیگر هستند، شکل می‌گیرد. نتیجه قابل توجه دیگر از این مطالعه که می‌تواند جنبه‌ی کاربردی در زندگی فرد ایفا کند به این نکته اشاره دارد که اگر فرایند هویت‌یابی به درستی پیش رود و فرد بتواند به اکتساب هویت برسد، خودپنداشت مثبت و منسجمی را تشکیل می‌دهد و بحران‌های دیگری که در نظریه اریکسون بعد از حل بحران هویت‌یابی فرد با آن مواجه می‌شود، نیز به صورت موفق حل شده و متعاقب تمام این پیامدها، سلامت روان‌شناختی نیز افزایش خواهد یافت.

با در نظر گرفتن یافته‌های بدست آمده و وضوح بحران هویت در قشر مورد مطالعه که نماینده جامعه‌ی بزرگتر دانشجویان جوان بودند، پیشنهاد می‌گردد که در رابطه با این مشکل، به افراد توصیه‌ها و آموزش‌های لازم را در جهت دستیابی به وضعیت بهنجار هویت یعنی "اکتساب هویت" ارائه داد. به طور مثال اینکه، چگونه می‌توان با این بحران روبرو شد و آن را حل کرد، چه صفات شخصیتی می‌تواند حرکت فرد به سمت هویت یابی را تسهیل کرده یا با مانع روبرو کند. همچنین ذکر این نکته که در صورت ناتوانی در حل آن چه مشکلاتی برای فرد ایجاد می‌شود.

از جمله محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به تعدد سوالات پرسشنامه‌ها اشاره کرد که یکی از عواملی بود که در هنگام اجرای آن بر روی نمونه مورد نظر کاملاً از سوی شرکت کنندگان عنوان می‌شد، که همین امر نیز می‌تواند تا حدودی بر روی نتایج بدست آمده، اثر گذار باشد. در دسترس نبودن ابزاری برای سنجش زیر مجموعه‌های ابعاد هویت مانند اکتشاف در عرض و عمق و اکتشاف نشخوارگرایانه که از مفاهیم جدید بحث هویت یابی هستند، دیگر محدودیت این پژوهش بود.

منابع

- اتکینسون، ر. اتکینسون، ر. سی. هیلگارد، ا. (۱۳۷۸). زمینه روانشناسی. ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران. تهران: انتشارات رشد
- آقاگدی، پ؛ اعتمادی، ا. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گلاسر بر تحول الگوی هویت نوجوانان. *مطالعات روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س)*، ۸ (۴).
- خنیفر، ح؛ مقیمی، م؛ جندقی، غ؛ طاهری، ف و سیار، ا. (۱۳۸۸). شناخت شخصیت مدیران؛ لازمه مدیریت رفتار سازمانی (مطالعه موردی مدل پنج عاملی شخصیت در دانشگاه علوم پزشکی قم).
- دستجردی، ر. فرزاد، و، کدیور، پ. (۱۳۹۰). نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، ۱۸ (۲)، ۱۳۳-۱۲۶.
- دولت آبادی، ا. محمدی، م. افشاری، ر. (۱۳۹۱). رابطه ناهمخوانی خود واقعی- ایده‌آل در پنج صفت بزرگ شخصیت با کیفیت زندگی دانشجویان. *مجله برخط دانش روانشناختی*، ۴ (۹)، ۲۴-۳۲.
- رحیمی نژاد، ع. (۱۳۹۳). ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه سنجش عینی منزلت هویت من در نوجوانان. *فصلنامه روانشناسی معاصر*، ۹، ۶۲-۴۹.
- سادوک، و. سادوک، ب. (۱۳۸۲). خلاصه روان پزشکی. ترجمه: نصرت‌الله پورافکاری. تهران: انتشارات شهرآب
- ستوده، ه. (۱۳۸۱). روانشناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- گروسی فرشی، م. ت. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). چاپ اول. تبریز: نشر دانیال و جامعه پژوه.
- لطیفیان، م. کوروش نیا، م. (۱۳۹۰). رابطه مدل پنج عامل بزرگ شخصیت و کمال‌گرایی. *مجله مطالعات روانشناختی* ۷ (۴)، ۲۷-۵۴.
- محمدی کاجی، م. (۱۳۷۲). بررسی رابطه خویشتن‌پنداری با سطوح اضطراب در دانش‌آموزان دبیرستانی آموزش و پرورش منطقه ۸ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد واحد رودهن.
- مرادی، م. علیزاده، م. بارانیان، س. زغبی قناد، س. (۱۳۹۵). پنج عامل بزرگ شخصیت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای حرمت خود. *مجله روانشناسی تحولی*، ۱۵ (۴۹)، ۷۹-۹۳.

- Adams, G. R., Bennion, L., & Huh, K. (1989). *Objective measure of ego-identity status: A reference manual*. Guelph, Ontario: Department of Family Studies, University of Guelph.
- Atkinson, R. L., Atkinson, R. C., Smith, E. E., & Bem, D. J. (1990). *Introduction to Psychology*, Harcourt Brace Jovanovich. Publisher. USA.
- Baumeister, R. F. (Ed.) (1999). *The self in social psychology*. Philadelphia, PA: Psychology Press (Taylor & Francis).
- Beaumont, S. L. (2009). Identity Processing And Personal Wisdom: An Information-Oriented Identity Style Predicts Self-Actualization, and Self-Transcendence. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 9(2), 95-115.
- Bennion, L. D., & Adams, G. R. (1986). A Revision of the Extended Version of the Objective Measure of Ego-Identity Status: An Identity Instrument for Use with Late Adolescents. *Journal of Adolescent*.
- Buchanan, D. & Huczynski, A. (2000). *Organizational Behavior*. London: Prentice Hall.
- Campbell, J. D., Trapnell, P. D., Heine, S. J., Katz, I. M., Lavallee, L. F., & Lehman, D. R. (1996). Self-concept Clarity: Measurement,
- Clancy, S. M., & Dollinger, S. J. (1993). Identity, Self, and Personality: I. Identity Status and the Five-Factor Model of Personality. *Journal of Research on Adolescence*, 3(3), 227-245.

- Co^te, J. E., & Levine, C. G. (2002). *Identity formation, agency, and culture: A social psychological synthesis*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Dollinger, S. J. (2011). "Standardized minds" or individuality? Admissions tests and creativity revisited. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 5(4), 329.
- Dunkel, C. S. (2005). The Relation between Self-Continuity and Measures of Identity. *Identity*, 5(1), 21-34.
- Erikson's Theory of Transitional Crisis. *Adolescence*, 30(120), 785.
- Groeger, J. A. (2000). *Understanding Driving: Applying Cognitive Psychology to a Complex Everyday Task*. Psychology Press.
- Haren, E. G., & Mitchell, C. W. (2003). Relationships between the Five-Factor Personality Model and Coping Styles. *Psychology and Education: An Interdisciplinary Journal*.
- Harter, S. (1999). *The Construction of the Self: A Developmental Perspective*. Guilford Press.
- Kidwell, J. S., Dunham, R. M., Bacho, R. A., Pastorino, E., & Portes, P. R. (1995). Adolescent Identity Exploration: A Test Of
- Luyckx, K., Goossens, L., Soenens, B., & Beyers, W. (2006). Unpacking Commitment and Exploration: Preliminary Validation of an Integrative Model Of Late Adolescent Identity Formation. *Journal of Adolescence*, 29(3), 361-378.
- Luyckx, K., Soenens, B., & Goossens, L. (2006). The Personality-Identity Interplay in Emerging Adult Women: Convergent Findings from Complementary Analyses. *European Journal of Personality*, 20(3), 195-215.
- Marcia, J.E. (1966). Development and Validation of Ego-Identity Status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551- 558. Development, 34(3), 130.
- Marcia, J.E. (1966). Development and Validation of Ego-Identity Status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- McCrae, R. R., & Costa Jr, P. T. (1988). Age, personality, and spontaneous self-concept. *Journal of Gerontology*, 43(6), S177-S185.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T., Jr. (1987). Validation of the Five-Factor Model of Personality across Instruments and Observers. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 81-90.
- Personality Correlates, And Cultural Boundaries. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70(1), 141.
- Schwartz, S. J. (2001). The Evolution of Eriksonian and, Neo-Eriksonian Identity Theory and Research: A Review and Integration. *Identity: An International Journal Of Theory and Research*, 1(1), 7-58.
- Soenens, B., Berzonsky, M. D., Vansteenkiste, M., Beyers, W., & Goossens, L. (2005). Identity Styles and Causality Orientations: In Search of the Motivational Underpinnings of the Identity Exploration Process. *European Journal of Personality*. 19(5), 427-442.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی